

مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی عنصر روانی قتل در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق مصر

دکتر محمود عرفانی^{*}، دکتر ایرج گلدوزیان^{**}، عباس گنجه اجیرلو^{***}

ناشر: پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

Www.HaghGostar.Ir

چکیده

عنصر روانی یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است که در بین حقوقدانان در دو معنای وسیع و محدود به کار می رود. عنصر روانی جرائم عمدی در معنای محدود شامل اراده ارتکاب و قصد مجرمانه، و در جرائم غیر عمد شامل اراده ارتکاب و خطای کیفری است، لیکن عنصر روانی در معنای وسیع علاوه بر معنای محدود شامل شرایط مسئولیت کیفری نیز می باشد. در حقوق ایران جرم قتل بر اساس عنصر روانی به انواع قتل عمدی و قتل غیر عمدی تقسیم شده که بر حسب میزان تقصیر و قابلیت سرزنش، برای انواع قتل مجازات های متفاوتی پیش بینی شده است. قوانین جزایی مصوب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عنوان جدید قتل خطای محض را به عناوین پیش افزوده، علیرغم آنکه در برخی از مصادیق این نوع قتل، فاعل فاقد عنصر روانی جرم می باشد. لیکن مقنن به منظور حمایت کیفری از مجنی علیه، دیه مقرر نموده است. در نظام تقنینی ایران سبق تصمیم در نوع قتل و تشدید مجازات بی تأثیر بوده و عناوین مجرمانه قتل توأم با سبق تصمیم و قتل بدون سبق تصمیم پیش بینی نشده است. در حقوق مصر سبق تصمیم به عنوان مهمترین معیار تفکیک انواع قتل بر حسب عنصر روانی محسوب می شود. و عناوین مجرمانه قتل توأم با سبق تصمیم و قتل بدون سبق تصمیم پیش بینی شده، به نحوی که مجازات قتل توأم با سبق تصمیم شدیدتر از سایر انواع قتل است.

کلمات کلیدی: عنصر روانی، قتل عمدی توأم با سبق تصمیم، قتل بدون سبق تصمیم، قتل عمدی و قتل غیر عمدی، ایران، مصر

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران

** عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران

*** کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

قتل از بزرگترین جنایت است که امنیت اجتماع را مختل می سازد و کیفر عقوبت آن را، شریعت مقدس اسلام از شدیدترین کیفروعقوبت ها در دنیا و عقبی مقرر نموده است. عنصر روانی جرم که بیانگر میزان حالت خطرناکی بزهکار است همواره مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته و عقیده دارند به منظور برقراری عدالت می بایست مقررات جزایی به نحوی تدوین شود تا مجرمین دارای حالت خطرناک، بدون سرزنش رها نشده و اشخاص فاقد اراده مجرمانه نیز مجازات نشوند. مقررات جزایی فعلی کشور ما در زمینه جرم قتل از حقوق اسلامی (فقه امامیه) اقتباس شده و بصورت مجموعه واحدی بر کل کشور حاکم است؛ اکثر مقررات جزایی مصوب قبل از انقلاب همانند مقررات جزایی مصر با الهام از قوانین کیفری کشورهای اروپایی تدوین شده بود.

۱- معنای لغوی عنصر روانی

عنصر روانی از دو واژه عنصر و روانی ترکیب یافته است، در فرهنگ لغت واژه عنصر را چنین تعریف کرده اند: «اصلی، بنیاد اصلی که اجسام دارای طبایع مختلف از آن تشکیل می گردند»^۲ و در ذیل واژه روان معانی زیر آمده است «مراد از روان، نفس ناطقه است و تیر روان به معنای سیه دل و قسی القلب است».

۲- انواع جرم قتل بر مبنای عنصر روانی در حقوق موضوعه ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، قسمتی از مقررات جزایی کشور طی لوایحی توسط شورای عالی قضایی تهیه و از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. بعد از مدتی قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱/۶/۲، سپس از قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ و متعاقباً قانون مجازات اسلامی (دیات) مصوب ۱۳۶۱/۹/۲۴ و بالاخره ق.م.اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ از تصویب گذشت. در سال ۱۳۷۰ قانون راجع به مجازات اسلامی، قانون حدود، قصاص و دیات مصوب ۱۳۶۱ توسط مقنن اصلاح و تحت عنوان ق.م. اسلامی^۳ تصویب شد، در سال ۱۳۷۵ نیز قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) توسط مقنن اصلاح و تحت عنوان کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)^۴ پس از تصویب، به مرحله اجرا در آمد. با توجه به این که بیشتر قوانین مربوط به جرم قتل از فقه امامیه اقتباس شده و صرف نظر از اختلافات موجود و به منظور جلوگیری از اطاله کلام، سؤال فوق در قوانینی که در حال حاضر لازم الاجرا هستند مورد بررسی قرار می گیرد.

به منظور پاسخ به سؤال مذکور مواد مختلف قانون مجازات اسلامی مصوب سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. با تحقیق و بررسی در مقررات مزبور به نظر می رسد که عناوین قتل های ذیل نام برده شده است:

- ۱- قتل عمد (جرم موضوع مواد ۲۰۴ و ۲۰۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰) ۲- قتل شبه عمد (جرم موضوع بند ب ماده ۲۹۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰)
- ۳- قتل خطای محض (جرم موضوع ماده ۲۰۴ و بند الف ماده ۲۹۵ و مواد ۲۹۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰) ۴- قتل در حکم شبه عمد (جرم

^۲ دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، مندرج در وب سایت www.Loghatnaameh.org

^۳ روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۴۰ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱

^۴ روزنامه رسمی شماره ۱۴۹۴۳ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴

موضوع تبصره های ۳ و ۲ ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰) ۵- قتل غیر عمد (جرم موضوع مواد ۶۱۶ و ۷۱۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵) (قتل ناشی از تخلفات رانندگی)) ۶- قتل به منزله خطای محض (جرم موضوع تبصره ۱ ماده ۲۹۵ و تبصره ماده ۳۰۶ و ماده ۳۲۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰) ۷- قتل در اثنای منازعه (جرم موضوع ماده ۶۱۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵)

جرم قتل در اثنای منازعه دارای عنوان مجرمانه مستقل و ویژگی های خاص می باشد که جداگانه بحث خواهد شد و لیکن سایر قتل های مذکور از نظر عنصر روانی مشمول یکی از دو عنوان زیر می باشند:

الف- قتل عمد ب- قتل غیر عمدی (شبه عمد یا خطایی محض)

۳- انواع جرم قتل بر مبنای عنصر روانی در حقوق موضوعه مصر

جرم قتل در حقوق مصر همانند حقوق ایران به قتل عمدی و قتل غیر عمدی تقسیم می شود ولیکن اقسام قتل عمدی در نظام تقنینی حقوق مصر با حقوق ایران تفاوت دارد. قتل عمدی در حقوق موضوعه مصر شامل: قتل عمدی توأم با تصمیم قبلی و یا از طریق نشستن در کمین^۵، قتل عمدی ساده^۶، سم دادن منتهی به مرگ^۷، ایراد ضرب و جرح عمدی منتهی به مرگ^۸، قتل غیر عمدی ناشی از تقصیر جزایی^۹، قتل ناشی از حریق عمدی^{۱۰} و قتل همسر و مرد اجنبی در فراش^{۱۱} می باشد.

۴- رکن معنوی قتل عمدی

قانون مجازات اسلامی در مقام بیان مصادیق رکن معنوی قتل عمدی در ماده ۲۰۶ مقرر می دارد: قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

الف- مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افراد غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود. ب- مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام می دهد که نوعاً کشنده باشد و هر چند قصد

^۵ این جرم در ماده ۲۳۰ قانون جزای مصر پیش بینی شده و برای مرتکب آن مجازات اعدام مقرر شده است؛ واژه های سبق تصمیم در ماده ۲۳۱ و نشستن در کمین در ماده ۲۳۲ قانون مذکور تعریف شده است.

^۶ جرم موضوع ماده ۲۳۴ قانون مجازات مصر، برای مرتکب این جرم مجازات؛ زندان ابد یا زندان مشدد مقرر شده است. در صورتی که قتل عمدی ساده، تقدماً یا اقتراناً یا مقرون به جرم دیگری باشد مجازات مرتکب قتل اعدام است. اگر قصد مرتکب قتل تحقق یک جرم جنحه ای بوده یا تسهیل این جرم بوده یا کمک و مساعدت به مرتکبین یا شرکاء در فرار از صحنه یا رهایی آنها از مجازات قتل باشد مجازات مرتکب اعدام یا زندان ابد است و نیز در صورتی که جرم ارتكابی قتل مذکور در ماده ۲۳۴ به قصد اعمال تروریستی صورت گرفته باشد مجازات مرتکب اعدام می باشند.

^۷ این جرم در ماده ۲۳۳ قانون مجازات مصر پیش بینی شده و ماده سمی اعم است از هر ماده ای که کشنده باشند و برای مرتکب آن مجازات اعدام پیش بینی شده است.

^۸ جرم موضوع ماده ۲۳۶ قانون مجازات مصر، برای این جرم مجازات حبس با اعمال شاقه یا زندان از سه سال تا هفت سال مقرر شده است.

^۹ این جرم در ماده ۲۳۸ قانون مجازات مصر پیش بینی شده و شامل مواردی است که قتل در اثر تقصیر جزایی (اهمال و غفلت، بی احتیاطی، بی میلانی، عدم رعایت نظامات دولتی و مقررات و دستورالعمل های قانونی به طور خطا موجب مرگ فردی شود) واقع شود برای مرتکب جرم به مجازات حداقل ۶ ماه حبس و تا دوپست جنبه جزایی نقدی پیش بینی شده، محکوم می شود. در صورتی که جرم مذکور در اثر کوتاهی در انجام وظایف یا سهل انگاری در رعایت مقررات مربوط به شغل یا حرفه یا شرب خمر یا استعمال مواد مخدر واقع شده باشد مرتکب به یک تا ۵ سال حبس و جزایی نقدی از ۱۰۰ تا ۵۰۰ جنبه یا یکی از این دو محکوم می شود.

^{۱۰} این جرم در ماده ۲۵۷ قانون جزای مصر مقرر شده است: «در تمام اوضاع و احوال مذکور، اگر آتشی سوزی که قبلاً گفته شده موجب مرگ یک نفر یا بیشتر که در اماکن مورد آتش سوزی بوده اند بشود، مرتکب این آتش زدن عمدی به اعدام محکوم می شود.»

^{۱۱} - جرم موضوع ماده ۲۳۷ ق.ج.م

کشتن را نداشته باشد. ج - مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.» توجه به چند نکته در خصوص ماده ۲۰۶ ق.م.ا ضروری است:

اول- قانون مذکور به طور کامل از منابع فقهی استخراج شده است تنها مستند قانونی تعریف و یا مصادیق رکن معنوی قتل عمدی است و بدیهی است استناد به سایر منابع تا زمان اعتبار آن وجهه قانونی ندارد.

دوم- در مقایسه با ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی که مقرر می داشت مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثناء شده باشد به مراتب رساتر و رافع بسیاری از ابهامات است.

سوم- در همه جرایم و از جمله قتل عمدی، رکن معنوی باید قبل از انجام عمل موجودیت یافته و یا حداقل اینکه با انجام عمل مقارن زمانی داشته باشد. در واقع صرف وجود ارکان مادی و معنوی برای تحقق جرم نیست بلکه تقارن زمانی آنها شرط اساسی است.

فرض کنید شخص الف با سلاح جنگی خود و سوار بر اتومبیل به قصد قتل ب حرکت کند ولی در مسیر به علت تنش و هیجان به چراغ قرمز توجهی نکند و با اتومبیلی که از طرف مقابل در حرکت بوده تصادف نماید و موجب قتل راننده آن شود اگر مقتول همان شخص ب باشد نمی توان الف را به رغم قصد قتل، مرتکب قتل عمدی ب محسوب نمود زیرا قصد قتل با فعل مرتکب (رانندگی) مقارن نبوده است.^{۱۲}

چهارم- هر چند ماده ۲۰۶ ق.م.ا، از نظر شکلی و ماهوی بر ماده ۱۷۰ ق.م.ع برتری دارد ولی به منطوق آن ایراداتی وارد است: نخست این که واژه قتل در قسمت اخیر صدر ماده (قتل در موارد زیر قتل عمدی است) اضافی است همچنان که این واژه در ماده ۲ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ وجود نداشت. دوم این که مقنن در هر سه بند این ماده و در صدر آنها از واژه «قاتل» استفاده کرده است در حالی که به حکایت هر سه بند هنوز قتلی واقع نشده است و لذا واژه هایی از قبیل کسی یا شخصی باید جایگزین آن شود. سوم، با توجه به تصریح مقنن بر ضرورت قصد قتل در بند الف و فقدان آن در سایر بندها و نیز تفاوت بندهای ب و ج از نظر شخصیت مجنی علیه، عمدی دانستن قتل در هر سه بند چندان با اصول سازگاری ندارد. به عبارت بهتر بندهای ب و ج که در آنها، مرتکب قصد قتل ندارد در حکم قتل عمدی هستند^{۱۳}. ولذا مقنن می توانست چنین قتل هایی را مستوجب قصاص بداند بدون اینکه هر سه بند را قتل عمدی محسوب نماید.

۴-۱ مقایسه بند الف ماده ۲۰۶ ق.م.ا با حقوق مصر

در نظام تقنینی ایران بند الف ماده ۲۰۶ ق.م.ا مقرر می دارد: «مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.» با توجه به بند الف ماده مذکور استنباط می شود که در نظام تقنینی ایران بین جرم قتل عمدی توأم با سوءنیت قبلی (قتل مشدد) و قتل عمدی بدون تصمیم قبلی (قتل عمدی ساده) تفاوتی وجود ندارد و هر دو نوع قتل دارای مجازات یکسانی می باشند. در صورت تحقق شرایط قتل عمدی موجب قصاص، به استناد ماده ۲۰۵ ق.م.ا مجازات قصاص پیش بینی شده است. قانونگذار سابق نیز در ق.م.ع مصوب ۱۳۵۲ و ۱۳۰۴ بین انواع قتل های عمدی توأم با سبق تصمیم و قتل عمدی ساده تفاوتی قائل نشده و با استناد ماده ۱۰۷ قانون مجازات عمومی برای ارتکاب

^{۱۲}. آقای نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص، ص ۶۴

^{۱۳}. برای بررسی بیشتر مراجعه کنید به تقریرات درس حقوق جزای اختصاص (قتل) سید علی آزمایش و نیز سید محمد موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۸۰

جرم قتل عمدی، مجازات اعدام پیش بینی شده بود. اما در حقوق موضوعه مصر در خصوص جرم قتل عمدی توأم با تصمیم قبلی^{۱۴} و قتل عمدی از طریق کمین زدن یا تمهید مقدمات^{۱۵} (قتل مشدد) به استناد ماده ۲۳۰ ق.ج.م،^{۱۶} برای قاتل مجازات اعدام پیش بینی شده است و برای قتل عمدی بدون سبق تصمیم (قتل ساده) به استناد ماده ۲۳۴ ق.ج.م^{۱۷} مجازات زندان ابد یا زندان مشدد پیش بینی شده است. حقوقدانان مصر در خصوص تعلق سوءنیت جازم به اشخاص نامعین از یک جمع عقیده دارند: «هرگاه شخصی تیری را به سوی جمع معینی از مردم شلیک کند یا نارنجک دستی به سمت جمع خاصی از مردم پرتاب کند و برای او تفاوتی نکند که چه کسی کشته شود و شخصیت مجنی علیه هم برای قاتل مشخص نباشد در این صورت چنین عملی، قتل توأم با قصد غیرمعین یا غیرمحدد نامیده می شود.^{۱۸} بنابراین در حقوق مصر، سبق تصمیم یا اندیشه قبلی قاتل در ارتکاب قتل از جهات تشدید مجازات محسوب می شود.

۴-۲ مقایسه بندب ماده ۲۰۶ ق.م.ا با حقوق موضوعه مصر

در نظام تقنینی ایران بند ب ماده ۲۰۶ ق.م.ا مقرر می دارد: «مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد. در نظام تقنینی مصر همانند نظام تقنینی ایران، قتل از طریق کار نوعاً کشنده به عنوان یکی از مصادیق قتل عمدی بیان شده است ولیکن در خصوص قتل از طریق سم دادن در نظام تقنینی مصر با قانون مجازات اسلامی تفاوت دارد. در ق.م.ا جرمی مستقلی تحت عنوان سم دادن پیش بینی نشده است. محاکم قضایی در رسیدگی به پرونده های مطروحه، قتل از طریق سم دادن را مشمول بند ب ماده ۲۰۶ ق.م.ا می دانند، ولیکن از نظر فقهای امامیه عنصر مادی قتل عمدی ممکن است بالمباشره یا بالتسیب باشد قتل عمدی از طریق سم دادن به عنوان یکی از اقسام قتل بالتسیب نام برده شده است.^{۱۹} در حقوق جزای مصر سم دادن منتهی به مرگ به عنوان جرم مستقلی پیش بینی و برای مرتکب مستند ماده ۲۳۳ ق.ج.م مجازات اعدام مقرر شده است.^{۲۰} در مقایسه ماده ۱۷۶ ق.م.ع سابق ایران با ماده ۲۳۳ قانون مجازات مصر ملاحظه می شود: جرم سم دادن منتهی به مرگ از نظر عنصر روانی و میزان مجازات در این دو ماده کاملاً شبیه یکدیگرند. و هم چنین در نظام تقنینی مصر همانند ایران، فاعل در ارتکاب جرم قتل باید قصد و ایراد صدمه و قصد کشتن داشته و یا کارش نوعاً کشنده باشد تا عمل وی به عنوان جرم قتل عمدی محسوب شود. اما جرم قتل از طریق سم دادن در قانون جزای فرانسه (ماده ۵-۲۲۱) به صورت خاص پیش بینی شده است اما در قانون لبنان و اردن همانند کشور ایران، جرم خاصی نمی باشد و ماده ۳۷۹ قانون بلژیک همانند ماده ۲۳۳ قانون مصر نیز این جرم را به صورت جداگانه بیان کرده اند.^{۲۱}

^{۱۴} ماده ۲۳۱ ق.ج.م مقرر می دارد: «سبق تصمیم عبارت است قصد مرتکب قبل از ارتکاب جنحه یا جنایت دائر بر ایداء و اذیت شخص معین یا هر شخص دیگری که در نظر گرفته یا تصادفاً با او برخورد می کند اعم از این که تحقق قصد موکول به ایجاد امری یا موقوف به شرطی باشد.»

^{۱۵} ماده ۲۳۲ ق.ج.م مقرر می دارد: «تمهید مقدمات یا تمکین کردن عبارت است از انتظار فرد در جهت یا جهات کار در زمانی کوتاه یا طولانی برای ارتکاب قتل یا اذیت و آزار یا ضرب و جرح و موارد مجرمانه دیگر در مورد شخص مورد نظر.»

^{۱۶} ماده ۲۳۰ ق.ج.م مقرر می دارد: «هرکس عمداً و با سبق تصمیم یا تمهیدات مقدمات مرتکب قتل نفس بشود به اعدام محکوم می شود.»

^{۱۷} ماده ۲۳۴ ق.ج.م مقرر می دارد: «هرکس عمداً و بدون سبق تصمیم یا بدون تمهید مقدمات مرتکب قتل نفس شود به مجازات زندان ابد یا زندان مشدد محکوم می گردد و...»

^{۱۸} عوض محمد، عوض، قانون العقوبات (القسم العام)، ص ۲۵۳

^{۱۹} محقق حلّی، ابوالقاسم، شرایع الاسلام، جلد ۴، صص ۱۹۷-۱۹۳

^{۲۰} ماده ۲۳۳ قانون مجازات مصر مقرر می دارد: «هرکس عمداً به هر شکلی وسیله مواد شیمیایی سبب مرگ کسی در مدت کوتاه یا طولانی شود، قاتل بوسیله سم شناخته می شود، مجازات قاتل اعدام است.»

^{۲۱} زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی تطبیقی، جلد ۱، ص ۲۸

۴-۳ مقایسه بندج ماده ۲۰۶ ق.م.ا با حقوق موضوعه مصر

بند ج ماده ۲۰۶ ق.م.ا مقرر می دارد: «مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد. در نظام تقنینی ایران بند فوق یکی از مصادیق ماده ۲۰۶ ق.م.ا بیان شده است درحالیکه در نظام تقنینی مصر چنین مصداقی اصلاً بیان نشده است ولی با تحمل می توان آن را داخل در شمول قتل عمدی ساده قرار داد و علت تصریح بند ج ماده ۲۰۶ ق.م.ا همان طور که قبلاً اشاره شد قانونگذار در این قسمت از ماده به متابعت از متون فقهی، وضعیت مجنی علیه را مورد توجه و حمایت قرار داده است.

۵- رکن معنوی قتل شبه عمد

الف - علم به موضوع: در این نوع قتل با توجه به منطوق اصطلاح «شبه عمد» و ضرورت تشابه آن با قاتل عمدی، مرتکب باید به زنده بودن طرف عالم باشد به طور کلی در تمام مصادیق جرایم عمدی علم به موضوع وصف آن ضروری است و اصولاً عمد بودن علم قابل تحقیق نیست اعم از این که عمد محض، در حکم و یا شبهه عمد باشد. در بند ب ماده مرقوم مقنن با اشاره به «قصد تأدیب» یا بیماری را ... معالجه کند به طور ضمنی بر ضرورت علم مرتکب به انسان زنده تأکید داشته است. بنابراین چنان چه مرتکب در انجام عملی قاصد باشد ولی به تصور این که طرف مربوطه انسان نیست و یا مرده است اقدام کند منتهی به قتل شود، قتل ارتكابی عنوان شبهه عمد نخواهد داشت.

ب- عمد در عمل ارتكابی: در شبهه عمد، مرتکب باید در انجام فعلی با ترک فعلی عامد باشد. تصریح مقنن در این بند به این که «جانی قصد فعلی را ... داشته باشد» و یا در ماده ۳۲۷ ق.م.ا به این که «ولی قصد پرت شدن را داشته باشد» مؤید ضرورت سوءنیت عام در شبهه عمد است. علاوه بر آن لازم است که عمد در عمل نسبت به شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع معین باشد. به عبارت دیگر صرف عمد در عمل کافی به مقصود نیست این جزء را می توان به طور ضمنی از جمله «کسی را به قصد تأدیب ... بزند» یا «طبیعی مباشرتاً بیماری را ... معالجه کند» استنباط نمود. بنابراین اصطلاح شبهه عمد یعنی شباهت با عمد در علم به موضوع و عمد در عمل نسبت به موضوع معین است.

ج- فقدان قصد قتل: تصریح مقنن در صدر بند ب ماده ۲۹۵ ق.م.ا به «... و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد» به معنای ضرورت فقدان قصد قتل نسبت به مجنی علیه است. این نکته تفاوت اساسی قتل عمد (بند الف ماده ۲۰۶) با قتل شبهه عمد است. قانونگذار در ادامه ماده و در مثال های مندرج نیز به طور ضمنی بر ضرورت فقدان قصد نتیجه در شبهه عمد مهر تأیید می گذارد: «... مانند آن که کسی را به قصد تأدیب بزند» و یا «طبیعی مباشرتاً بیماری را ... معالجه کند». قصد تأدیب و معالجه کردن هر دو به معنای آن است که مرتکب قصد قتل ندارد ولی در زدن و معالجه و جراحی عامد است. واژه خطا که بیش از شبهه عمد (خطای شبهه عمد) در بند ب ماده مرقوم آمده است مبین عمد مرتکب در عمل و خطای او در نتیجه است.

د- کشنده نبودن عمل ارتكابی: در شبهه عمد علاوه بر این که مرتکب نباید قصد قتل داشته باشد، کشنده نبودن عمل ارتكابی نیز شرط است زیرا عمدی بودن قتل منحصر به داشتن قصد قتل نیست و چنانچه مرتکب عمد در عمل داشته و عمل او کشنده نیز باشد، مرتکب قتل عمدی محسوب و قصاص می شود. (بندهای ب و ج ماده ۲۰۶) بنابراین تمایز قتل شبهه عمد با قتل های عمدی موضوع بندهای ب و ج ماده اخیر در کشنده نبودن عمل در اولی و کشنده بودن در دومی است. در تأیید ضرورت این شرط می توان به مستندات قانونی ذیل اشاره کرد:

۱- جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی شود داشته باشد.

۲- مانند آن که کسی را ... به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی شود بزند.

۳- و اتفاقاً موجب جنایت گردد.

۴- «... بیماری را ... به طور متعارف معالجه کند.»

همه اصطلاحات و جمله های فوق به معنای کشنده نبودن نوعی عمل ارتكابی است. بنابراین اقدامات عمدی ذیل اگر منتهی به مرگ شود، قتل شبیه عمد است: زدن سیلی به صورت جوانی که از سلامت برخوردار است، هل دادن جوانی که با لباس شنا در کنار استخر ایستاده به قسمت عمیق، با جهل به عدم آشنایی او با شنا، زدن مشت به سینه مرد میان سالی که دچار بیماری قلبی است و ضارب به آن جاهل است، شلیک گلوله به انگشت دست دیگری که در تمام این موارد قصد قتل نیز ندارد. در تأیید این نکته، مقنن در ذیل ماده ۳۲۵ مقرر می دارد: «... و اگر این عمل نه نوعاً کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است.»^{۲۲}

۵-۱ وجه اشتراک و افتراق بندب ماده ۲۹۵ با بندب ماده ۲۰۶ ق.م.ا

الف- وجه اشتراک:

در هر دو مورد، یعنی در قتل عمدی موضوع بندب ماده ۲۰۶ و قتل شبه عمدی موضوع بندب ماده ۲۹۵ ق.م.ا وجوه اشتراک زیر وجود دارد:

۱- فاعل قصد انجام عمل را دارد.

۲- فاعل قصد قتل مجنی علیه را ندارد.

به عبارت دیگر فاعل عامد در فعل و خاطی در قصد است.

ب- وجه افتراق:

تفاوت قتل شبه عمدی مذکور در بندب ماده ۲۹۵ ق.م.ا با قتل عمدی مندرج در بندب ماده ۲۰۶ ق.م.ا در کیفیت عنصر مادی یا نوع فعلی است که مرتکب انجام داده بدین شرح که کیفیت عنصر مادی در بندب ماده ۲۰۶ قانون مذکور به نحوی است که نوعاً کشنده است و لذا فرض بر این است که فاعل قصد تبعی در انجام قتل داشته و قتل در حکم عمد محسوب است. در صورتی که کیفیت عنصر مادی در بندب ماده ۲۹۵ قانون مذکور به نحوی است که عمل نوعاً کشنده است و فاعل صرفاً قصد فعل دارد و قصد مجرمانه اعم از قصد منجز یا قصد تبعی در کشتن مجنی علیه ندارد.

۵-۲ قتل در حکم شبه عمد

این جرم در تبصره های ۲ و ۳ ماده ۲۹۵ ق.م.ا پیش بینی شده است.^{۲۳} ماهیت عمل در تبصره ۲ قانون مزبور قتل عمدی است یعنی فاعل قصد فعل و قصد نتیجه یعنی قصد کشتن دارد ولی به گمان اینکه قتل مجنی علیه مباح است وی را هدف قرار داده و به قتل

^{۲۲} آقایی نیا، حسین، پیشین، ص ۱۷۴

^{۲۳} تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق.م.ا: «در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدور الدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطا شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است.

می‌رساند سرانجام معلوم می‌شود که مجنی علیه تحت حمایت قانون بوده و مستحق قتل نمی‌باشد، در این فرض ماهیت عمل انجام شده عمدی محسوب ولیکن از نظر مجازات در حکم شبه عمد خواهد بود. صاحب جواهر در این خصوص می‌فرماید: «در مواردی که فاعل قصد فعل و قصد کشتن مجنی علیه را به گمان این که قتل وی مباح می‌باشد را داشته باشد ولیکن بعد از انجام عمل معلوم می‌شود که منجی علیه محقوق الدم بوده، در این صورت قتل ارتكابی ملحق به شبه عمد محسوب می‌شود. ماهیت قتل مذکور در تبصره ۳ قانون مزبور طبق ضوابط حقوق جزای اسلامی خطای محض می‌شود زیرا فاعل قصد فعل و قصد ایراد صدمه به منجی علیه را ندارد ولیکن از آنجایی که به دلیل تقصیر جزایی، عمل او موجب سلب حیات از منجی علیه شده، لذا رفتار وی از نظر مسئولیت کیفری و تعلق مجازات در حکم قتل شبه عمد خواهد بود و دیه را می‌بایست خود قاتل پرداخت نماید. با تصویب ماده ۶۱۶ ق.م.ا به نظر می‌رسد تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون مذکور منسوخ شده است.

۶- رکن معنوی قتل خطای محض

با توجه به بند الف ماده ۲۹۵ ق.م.ا و نیز سایر مواد قانونی، رکن معنوی قتل خطا محض شامل اجزاء ذیل است:

الف- خطا در فعل و نتیجه:

اصطلاح خطای محض به طور کلی به معنای آن است که مرتکب در ارتکاب عمل نسبت به مجنی علیه و همچنین در نتیجه واقع شده خاطی است و نه فقط عمدی نسبت به مجنی علیه در کار نیست بلکه تقصیری هم نسبت به او مرتکب نشده است. در ماده ۶۱۶ ق.م.ا پس از تعریف قتل غیر عمد که متضمن احراز تقصیر مرتکب نسبت به مجنی علیه است و تعیین مجازات برای مقصر آمده است: «مگر اینکه خطای محض باشد» که به معنای آن است که در قتل خطای محض موضوع تقصیر مرتکب نسبت به مجنی علیه منتفی است. ب- ارادی بودن عمل:

در قتل خطای محض همانند قتل عمد و شبهه عمد، مرتکب باید در ارتکاب عمل اراده داشته باشد و در غیر این صورت قتل واقع شده از شمول عناوین اخیر خارج خواهد بود.

ج- فقدان قصد فعل:

هر چند در قتل خطای محض مرتکب باید در انجام عمل اراده داشته باشد و حتی ممکن است عامد باشد ولی ضروری است که نسبت به مجنی علیه قصد فعل نداشته باشد. به عبارت دیگر عامد بودن در فعل با عامد بودن در فعل نسبت به مجنی علیه دو بحث متفاوت است. شخص ممکن است نسبت به هدفی عامد باشد ولی عمل ارتكابی به هدف دیگری اصابت نماید که نسبت به او قصد فعل نداشته است. تصریح قانونگذار به عبارت «نه قصد فعل واقع شده بر او را»، مؤید همین نکته است. این وضعیت به سه شکل قابل تفسیر است:

صورت اول مربوط به اشتباه در هدف است یعنی همان مثالی که در متن بند الف ماده آمده است: «مانند آن تیری که به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید.» در این مصداق تیر به شکار اصابت نمی‌کند و در فاصله دیگری به انسانی برخورد می‌نماید. به عبارت بهتر در این مثال، هدف اول با انسانی که به قتل رسیده است جایگاه جغرافیایی متفاوتی دارند و در واقع، مقنن با ذکر این مثال می‌خواهد بگوید که اشتباه در هویت در قتل خطای محض منتفی است.^{۲۴}

تبصره ۳ ماده ۲۹۵ ق.م.ا: «هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالائی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود.»

^{۲۴}. آقایی نیا، حسین، پیشین، ص ۱۷۶

صورت دوم اشتباه مرتکب در انسان بودن هدف است. به این معنا که تیرانداز در شلیک به طرف هدف قاصد است ولی به تصور او، این هدف انسان نیست. فرض کنید الف به قصد شکار حیوانی به طرف آن شلیک کند و گلوله دقیقاً به حیوان اصابت نماید ولی بعداً معلوم شود که انسانی بوده که برای نزدیک شدن به حیوانات، خود را به صورت حیوان درآورده است. در این مثال، مرتکب قصد فعل نسبت به مقتول را نداشته و هیچ اشتباهی در هویت نیز محقق نشده است که در واقع این مورد نیز مصداقی از متن قانون است که مقرر می دارد: «... نه قصد فعل واقع شده بر او را»

صورت سوم وضعیتی است که طرف مرتکب انسان زنده است ولی مرتکب قصد انجام فعل بر او را ندارد ولی بر اثر اشتباه او در کاربرد وسیله قتل محقق می شود. فرض کنید شخص الف با علم به این که اسلحه او خالی است به طرف دوست خود که در فاصله نزدیکی قرار دارد نشانه رود و ماشه را بچکاند و اتفاقاً گلوله شلیک شده و به دوستش برخورد نماید منتهی به قتل شود. آیا چنین قتلی را می توان با استناد به بند الف ماده ۲۹۵ «نه قصد فعل واقع شده بر او را داشته» خطای محض دانست؟ به نظر نگارنده اگر ثابت شود که مرتکب مشمول هیچ یک از مصادیق تقصیر مذکور در تبصره ماده ۳۳۶ ق.م.ا نبوده است نمی توان قتل ارتكابی را عمد دانست.^{۲۵}

د- فقدان قصد نتیجه:

در صدر بند الف ماده ۲۹۵ ق.م.ا، آمده است: «جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته و نه قصد فعل واقع شده بر او را» این تأکید صریح بر فقدان قصد قتل در خطای محض است. واژه جنایت در این جمله همان نتیجه حاصله است که درخصوص مورد، به معنای قتل است. البته بدیهی است که با فقدان عمد در فعل نسبت به مجنی علیه، منطقاً نمی توان مرتکب را قاصد در نتیجه دانست. به هر حال، قتل خطای محض آن است که فاعل قصد ایراد فعل به مجنی علیه و قصد قتل او را به هیچ نحو از انحاء (اصالتاً، تبعاً، به طور جزئی یا به طور کلی) نداشته است.^{۲۶} و در ادامه بحث تأثیر اشتباه در هویت در قتل خطای محض می پردازیم: در قتل خطای محض همان طور که به اجمال گفته شد اشتباه در هویت موضوعاً منتفی است و این مورد از منتفی بودن قصد فعل نسبت به مجنی علیه مذکور در بند الف ماده مرقوم و نیز از مثال ذیل بند ۱ ماده مرقوم کاملاً مشخص است: «مانند آن که تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید.» تصریح مقنن به واژه فعل به معنای افاده حصر نیست «با توجه به ارکان تشکیل دهنده قتل که در ماده ۲ ماده دیات (۲۹۵ ق.م.ا) عنوان گردید، و اینکه مراد از فعل مذکور در همان ماده اعم از فعل مثبت یا منفی است...»^{۲۷} وجه اشتراک قتل شبیه عمد با خطای محض فقدان قصد نتیجه است و، وجه افتراق آنها در وجود قصد فعل نسبت به مجنی علیه در اولی و فقدان آن در دومی است. هرگاه قصد فعل نسبت به مجنی علیه منتفی باشد قهراً کشنده بودن یا نبودن عمل ارتكابی نیز تأثیری در عنوان قتل نخواهد داشت.

۶-۱ قتل به منزله خطای محض

این جرم در تبصره ۱ ماده ۲۹۵^{۲۸} و تبصره مواد ۳۰۶ و ماده ۳۲۳ ق.م.ا پیش بینی شده است؛ ماهیت موضوع تبصره ۱ ماده ۲۹۵ و تبصره ماده ۳۰۶ ق.م.ا قتل عمدی می باشد که فاعل آن، طفل یا مجنون است موضوع ماده ۳۲۳ ق.م.ا قتل یا جرحی است که توسط شخص خواب یا بیهوش واقع می شود، در موردی که فاعل طفل یا مجنون باشد از نظر عنصر روانی ماهیت عمل ارتكابی قتل عمدی است؛ زیرا فاعل قصد فعل و قصد نتیجه دارد ولی به دلیل فقدان شرایط و ارکان مسئولیت کیفری از قبیل: بلوغ یا عقل، مقنن آن را در حکم

^{۲۵}. همان

^{۲۶}. مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۱۰۶

^{۲۷}. بازگیر، یدالله، قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوان عالی کشور، ۲، قتل شبیه عمد و خطای محض، ص ۲۶

^{۲۸}. تبصره ۱ ماده ۲۹۵ ق.م.ا مقرر می دارد: «جنایت های عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطاء محض است.»

خطای محض قرار داده و عاقله^{۲۹} قاتل را عهده دار به پرداخت دیه معرفی نموده است. در موردی که شخص خواب سبب مرگ دیگری شود چون فعل وی ارادی نیست لذا اصولاً از عناوین مجرمانه عمد و شبه عمد و خطای محض خارج است، با این وصف چون فاعل فاقد قصد فعل و قصد نتیجه می باشد، لذا مقنن به منظور حمایت از مجنی علیه قتل یا جرح انجام شده را در حکم خطای محض محسوب نموده، و عاقله فاعل را مسئول پرداخت خون بهای مقتول شناخته است. در مورد ماهیت و مسئولیت پرداخت دیه قتلی که توسط شخص خواب واقع می شود نظریات مختلفی در بین فقهای وجود دارد از جمله عبارتند از:

الف- دیه مقتول بر عهده شخص خواب است.^{۳۰}

ب- دیه مقتول بر عهده عاقله است.^{۳۱}

ج- دیه ای به مقتول تعلق نمی گیرد زیرا مرگ از قتل غیر ارادی ناشی شده است.^{۳۲}

د- دیه بر عهده بیت المال است.^{۳۳}

با توجه به اینکه قانونگذار قتل یا جرح توسط شخص خواب، بیهوش، طفل یا مجنون را در حکم قتل خطای محض قرار داده است، بنابراین چنانچه شخصی در یکی از حالات خواب، بیهوشی، صغرسن، مرتکب قتل شود عاقله وی مسئول پرداخت خون بهای مقتول شناخته می شود.

۶-۲ تفاوت قتل شبه عمد با قتل خطای محض

در قتل شبه عمد رفتار مرتکب اعم از آنکه مجاز یا ممنوع بوده، متوجه مجنی علیه می باشد در صورتی که در قتل خطای محض عمل فاعل متوجه به مجنی علیه نیست. عنصر روانی قتل شبه عمد به نحوی است که قصد انجام عمل غیر کشنده نسبت به مجنی علیه وجود دارد و لیکن صدمه وارده بنا به دلایلی مختلفی از جمله به واسطه تقصیر جزایی اعم از بی احتیاطی، بی مبالائی، عدم رعایت نظامات و مقررات دولتی، منجر به قتل مجنی علیه می شود، در صورتی که در قتل خطای محض، فاعل اراده آگاهانه در ایراد صدمه بر مجنی علیه را ندارد.

۷- قتل غیر عمد

اصطلاح قتل غیر عمد در قانون مجازات اسلامی در دو ماده ۶۱۶ و ۷۱۴^{۳۴} به کار رفته است و در هر دو نیز به تقصیر مرتکب تصریح شده است. تا سال ۱۳۷۰، اصطلاح قتل غیر عمدی فقط در جرایم ناشی از تخلفات رانندگی (ماده ۱۴۹ تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)

^{۲۹} ماده ۳۰۷ ق.م.ا مقرر می دارد: «عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدري به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهد بود.»

^{۳۰} خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ص ۲۳۷: «فعلا مانع من کون الدیه علی النائم...»

^{۳۱} نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، جلد ۴۱، ص ۵۲ - ۵۱: «و قیل فی مال العاقله و هو اشبه»

^{۳۲} خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ص ۲۲۳-۲۲۲: «... انه لا دیه لا علیه و لا علی العاقله، و هذا هو الاقرب»

^{۳۳} همان، ص ۲۲۳: «... وهو ان یكون الدیه علی الامام فی بیت المسلمین لان دم المسلم لا یدهب هدراً و فیه ان هذا لوجه لا یتیم ایضاً...»

^{۳۴} (الف) ماده ۶۱۶ ق.م.ا: «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالایی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک سال تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر این که خطای محض باشد.»

مورد استفاده بود ولی در سال ۱۳۷۰ با وضع تبصره ۳ ماده ۲۹۵: «هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری، قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود» مسئولیت خطای در غیر حوادث رانندگی در پرداخت دیه مشخص گردید و متعاقب آن در سال ۱۳۷۵ به موجب ماده ۶۱۶ برای مرتکب قتل غیر عمدی علاوه بر دیه، تعزیر نیز مقرر گردید: «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک سال تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیاء دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.» هرچند، با توجه به نص ماده ۷۱۴ ق.م.ا که بر ضرورت وسیله (نقلیه یا موتور) تصریح دارد نمی توان در قتل غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی به ماده ۶۱۶، استناد کرد ولی مقنن باز هم به موجب تبصره ماده اخیر بر این نکته اصرار ورزیده است: «مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد.» بنابراین تفاوت اصلی دو ماده اخیر مقید بودن ماده ۷۱۴ به وسیله است یعنی ماده ۷۱۴ به اعتبار وسیله خاص و بنا به مصالحی وضع شده و در خصوص جرایم ناشی از تخلفات رانندگی می باشد، الف- عنصر روانی قتل غیر عمد موضوع ماده ۶۱۶ ق.م.ا:

عنصر روانی جرم مذکور تقصیر یا خطایی جزایی است،^{۳۵} اقسام تقصیر جزایی که در ماده مزبور احصاء شده عبارتند از:

۱- بی احتیاطی ۲- بی مبالاتی ۳- عدم مهارت ۴- عدم رعایت نظامات و مقررات دولتی

هرگاه کسی مرتکب رفتار ارادی شود بدون آن که قصد ایراد صدمه عمدی داشته و کار او نوعاً کشنده باشد و یا قصد کشتن مجنی علیه را داشته باشد و در اثر خطای کیفری رفتار منجر به سلب حیات مجنی علیه شود عمل ارتكابی قتل غیر عمدی موضوع ماده ۶۱۶ ق.م.ا محسوب می شود. به طور مثال پزشک متخصص بیهوشی به جای این که گاز اکسیژن به بیمار وصل کند گاز دی اکسید کربن وصل کرده و منجر به سلب حیات بیمار شود یا پزشک وسایل جراحی را داخل بدن بیمار جا گذاشته و بیمار در اثر عفونت فوت نماید. گرچه پزشک قصد کشتن و یا قصد ایراد صدمه ی مجرمانه به بیمار را نداشته ولیکن به دلیل خطای کیفری که منتهی به سلب حیات بیمار شده، مورد سرزنش قرار گرفته و مجازات می شود. و یا آن که مهندس اصول فنی ساختمان بنا را رعایت ننموده و در نتیجه ساختمان و پل فرو ریخته و سبب مرگ انسانها شود. مجازات جرم قتل غیر عمدی موضوع ماده ۶۱۶ ق.م.ا عبارت است از یک تا سه سال حبس تعزیری و در صورتی که اولیاء دم خون بها را مطالبه نماید فاعل علاوه بر مجازات حبس، به پرداخت خون بها نیز محکوم می شود. با توجه به صدر ماده ۶۱۶ ق.م.ا «در صورتی که» استنباط می شود: قتل غیر عمدی موضوع ماده مزبور در صورتی محقق می شود که یکی از مصادیق خطای کیفری وجود داشته باشد و از مفهوم مخالف عبارت «در صورتی که» استنباط می شود چنانچه فاعل یا مسبب فاقد خطای کیفری باشد، عمل وی مشمول این ماده نمی باشد.

ب- عنصر روانی قتل غیر عمد موضوع ماده ۷۱۴ ق.م.ا:

تحقق جرم قتل در ماده ۷۱۴ ق.م.ا موکول به احراز تقصیر راننده یا متصدی وسیله موتوری در یکی از مصادیق بی مبالاتی، بی احتیاطی، عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات دولتی است.^{۳۶} در مباحث پیشین بررسی های کافی در خصوص تعریف تقصیر و

ب. ماده ۷۱۴ ق.م.ا: «هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله ی موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می شود.»^{۳۵} حقوق تطبیقی: اما در حقوق کشور مصر قتل غیر عمدی ناشی از غیر تخلفات رانندگی در ماده ۲۳۸ ق.ج.م بیان شده و عنصر روانی ماده مذکور همان ماده ۶۱۶ ق.م.ا خطا یا تقصیر کیفری است گرچه فاعل قصد ایراد صدمه ندارد ولیکن به دلیل تقصیر جزایی منتهی به مرگ سرزنش و به مجازات محکوم می شود.

مصادیق آن انجام شد و لزومی به تکرار نیست؛ ولی توجه به نکات ذیل در خصوص رکن معنوی جنایات ناشی از تخلفات رانندگی یا تصدی ضروری است:

۱- میان عمل خلاف قانون و تقصیر باید قایل به تفصیل شد. صرف غیرقانونی بودن عمل راننده و حتی جرم بودن آن کافی بر مقصر دانستن راننده نیست. تخلفات رانندگی اعم از سرقت غیرمجاز، رانندگی بدون گواهینامه و امثال آنها به طور مستقل جرم محسوب می شوند و چنانچه در اثناء ارتکاب این جرایم تصادفی واقع شود و منتهی به قتل گردد، دادگاه نمی تواند ارتکاب این جرایم را بدون دلیل کافی دیگری که مؤید تقصیر راننده باشد، دلیلی مقصر بودن قلمداد نماید.

۲- این که مصادیق خطای کیفری راننده در ماده ۷۱۴ ق.م.ا به یکی از صور ذیل می باشد: بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی. در رسیدگی های قضایی تعیین نوع و میزان خطای کیفری راننده بر عهده کارشناس رسمی دادگستری است که با توجه به ضوابط و مقررات و عرف اظهار نظر می نماید در صورتی که مقصر به نظریه کارشناسی اعتراض داشته باشد هیأت کارشناس منتخب دادگاه صحنه تصادف را بررسی و با توجه به نحوه تصادف و سایر امارات و قرائن میزان و نوع خطای کیفری راننده مقصر را گزارش می نماید دادگاه صالحه نیز بر اساس نظریه کارشناس و سایر قرائن و امارات مبادرت به صدور رأی می نماید.

۳- مستند قانونی جنایت های ناشی از تقصیر چنانچه با وسیله موتوری یا وسیله نقلیه باشد، بر حسب نتیجه مواد ۷۱۴ لغایت ۷۱۷ ق.م.ا، است. اما در غیر این صورت اگر منتهی به قتل شود، مرتکب به استناد ماده ۶۱۶ این قانون به مجازات حبس از یک سال تا سه سال و پرداخت دیه در صورت مطالبه اولیاء دم محکوم می گردد و در مواردی که جنایت های غیرعمدی از شمول موارد فوق خارج باشد، مرتکب فقط به پرداخت دیه محکوم می شود. ارتکاب جنایت های عمدی، شبیه عمد و خطای محض مقید به وسیله نیست و چنانچه با وسیله نقلیه یا وسیله موتوری واقع شود، چنین وسایلی موجب تشدید مجازات نخواهند بود.

۴- چنانچه راننده یا متصدی وسیله نقلیه یا وسیله موتوری در وقوع حادثه مقصر نباشد و مجنی علیه نیز تخلفی نکرده باشد، مورد از موارد خطای محض است که دیه جنایت به استناد ماده ۳۰۵ ق.م.ا تعیین خواهد شد ولی چنانچه راننده تقصیر نداشته باشد و مجنی علیه مقصر باشد ضمانتی در بین نخواهد بود.

به موجب ماده ۳۳۳ ق.م.ا: «در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته باشد و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست.» در تحلیل این ماده می توان به نتایج زیر دست یافت: اول، هر چند ماده ناظر بر مصداق خاصی است (عابر پیاده و راننده) ولی می توان حکم آن را به همه مواردی که مرتکب مقصر نباشد ولی مجنی علیه تخلف کرده و تقصیر او سبب حادثه باشد تسری داد.

دوم، بی تقصیری راننده تنها موکول به سه شرط است. نداشتن سرعت غیر مجاز یا غیر مطمئن، فقدان نقص فنی مؤثر در حادثه و علاوه بر هر دو شرط فوق راننده با وجود داشتن مهارت و توانایی کافی، قادر به جلوگیری از برخورد نباشد. بنابراین داشتن گواهینامه شرط نیست مشروط بر این که مهارت کافی برای کنترل را داشته باشد و این به آن معناست که صرف داشتن گواهینامه در صورتی که دارنده آن فاقد مهارت باشد و به این دلیل قادر به کنترل نباشد موجبی برای رهایی او از مسئولیت نخواهد بود.

^{۳۶} حقوق تطبیقی: اما در حقوق موضوعه مصر جرم قتل و ایراد صدمات بدنی ناشی از تخلفات رانندگی در ماده ۱۶۹ ق.ج.م پیش بینی شده و برای آن مجازات حبس مقرر شده است. ماده مذکور قتل غیرعمدی یا جراحت غیرعمدی ناشی از حوادث وسایل نقلیه را پیش بینی نموده و مجازات آن شدیدتر از مجازات مذکور در خصوص قتل غیرعمدی موضوع ماده ۲۳۸ ق.ج.م است. راننده در ایراد صدمه و ارتکاب قتل هیچ گونه قصد و عمدی ندارد بلکه در اثر تقصیر یا خطای کیفری مرتکب قتل می شود.

سوم، اداره حقوقی قوه قضائیه در تأیید مبتنی بودن مسئولیت بر تقصیر اعلام داشته است: «چنانچه حادثه ناشی از بی احتیاطی یا بی مبالاتی راننده نباشد مسئولیتی متوجه او نخواهد بود و موضوع از مصادیق شبه عمدی و یا خطای محض به شمار نمی آید.»^{۳۷} هر چند قسمت صدر این نظریه علی الاصول با مفاد ماده ۳۳۳ و صدر ماده ۳۰۵ ق.م.ا منطبق است اما ذیل آن صرف فقدان تقصیر را کافی برای خطای محض بودن عمل ارتكابی می داند با بند الف ماده ۲۹۵ و مواد ۶۱۶ و ۳۳۳ این قانون و همچنین ذیل ماده ۳۰۵ انطباق کامل ندارد. سرعت مطمئنه با سرعت مجاز تفاوت دارد، با این توضیح که میزان سرعت مطمئنه را راننده وسیله نقلیه با توجه به اوضاع و احوال خاص مانند نوع وسیله نقلیه کیفیت محل و زمان رانندگی و نیز مقررات راهنمایی و رانندگی انتخاب و تنظیم می نماید که نوعاً همان سرعت مجاز یا کمتر از آن است. بنابراین تخطی از سرعت مطمئنه همیشه به معنای داشتن سرعت غیر مجاز نیست.^{۳۸}

۵- اراده در انجام فعل پایه رکن معنوی است و فقدان آن موجب عدم تحقق این رکن شده و در نهایت جرم واقع نخواهد شد. ولی هرگاه بی احتیاطی راننده منتهی به زوال اراده شود و نتیجه حاصله مانند قتل ناشی از فعل غیر ارادی باشد، نمی توان مرتکب را به دلیل نداشتن اراده در لحظه حادثه از مسئولیت کیفری مبری دانست. بنابراین اگر کسی به رغم خستگی مفرط به رانندگی ادامه دهد و یا با علم به این که مبتلا به صرع است مبادرت به رانندگی کند و به خواب رود و یا دچار حمله صرعی شود و در آن وضعیت که فاقد اراده است حادثه ای اتفاق افتد، مورد را باید از مصادیق جنایت های ناشی از بی احتیاطی در رانندگی به حساب آورد.

۶- مرگ راننده متخلف هر چند به استناد ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مانع تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات است اما اقامه دعوی مطالبه دیه علیه ورثه راننده متوفی بلا مانع است. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۵۶۳-۱۳۷۰/۳/۲۸: «نظر به ماده اول قانون دیات مصوب ۱۳۶۱/۹/۲۴ که مقرر می دارد «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به اولیای دم او داده می شود و با توجه به مفهوم مخالف جمله ذیل تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو شعب دیوان عالی کشور مصوب تیر ماه ۱۳۶۸ چنان چه بر اثر تصادم بین دو وسیله نقلیه موتوری رانندگان آنها فوت شوند و تعقیب کیفری راننده متخلف موقوف باشد به رسیدگی به دعوای اولیاء دم یکی از راننده ها علیه ورثه راننده دیگر از آن جهت که جنبه مالی دارد در صلاحیت دادگاه های حقوقی است. بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظریه صادر شده صحیح تشخیص می شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۷۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»^{۳۹}

۸- عنصر روانی قتل در منازعه

منازعه جرمی است عمدی و رکن معنوی آن با احراز عمد مرتکب به شرکت در نزاع محقق خواهد بود. این جرم هر چند مقید به نتیجه است اما سوء نیت خاص مرتکب شرط نیست. به عبارت بهتر، لزومی به اثبات اینکه مرتکب علاوه بر قصد شرکت در نزاع، خواهان نتیجه (قتل، نقص عضو و یا ضرب و جرح) نیز بوده، نخواهد بود. مگر این که مرتکب جنایت مشخص باشد که در مورد انتساب جنایت عمدی به وی، احراز قصد نتیجه ضروری است. در خصوص رکن معنوی این جرم نکات دیگری نیز قابل ذکر است:

^{۳۷} مجموعه قانون مجازات اسلامی، ریاست جمهوری، ناشر معاونت پژوهش، چاپ ششم، ویرایش پنجم، تنقیح و تدوین عباسعلی رحیمی اصفهانی، تهران،

ص ۴۱۲، نظریه شماره ۶۹/۱۰۷-۱/۵/۱۳۷۹.ح.ق.

^{۳۸} همان، ص ۴۱۸.

^{۳۹} همان، ص ۴۱۳.

- ۱- ورود ارادی و یا داوطلبانه به نزاع بدون قصد نزاع کافی نیست. بنابراین اقدام پلیس، میانجی یا اشخاص دیگری که بدون نزاع و به انگیزه های دیگری مانند دستگیری، خاتمه دادن به نزاع و یا بیرون بردن فرزند خود مداخله می کنند، منازعه محسوب نمی شود.
- ۲- خوداری مقنن از تعیین نوع قتل، نقض عضو و یا ضرب و جرح در بندهای سه گانه ماده ۶۱۵ ق.م.ا مؤید آن است که در منازعاتی که مرتکب جنایت معلوم نیست، طبعاً نوع جنایت از نظر رکن معنوی تأثیر در محکومیت منازعین ندارد.
- ۳- چنانچه جنایت واقع شده قابل انتساب به یکی از منازعین باشد، عمدی یا غیر عمدی بودن آن پیامدهایی را متوجه جانی خواهد کرد و در اتهام منازعه که متوجه سایر شرکت کنندگان است تأثیری نخواهد داشت.
- ۴- اگر جانی مشخص باشد اعم از این که جنایت ارتكابی عمدی یا غیر عمدی باشد، در عنوان اتهامی او (منازعه) مؤثر نیست ولی اتهام ارتكاب جنایت به طور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. فرض کنید شخص الف در جریان منازعه با اسلحه خود، شخص ب را که یکی از طرفین نزاع است به قتل برساند و یا گلوله او به علت خطا در نشانه روی به ب اصابت نکند و در فاصله دوری از محل نزاع به ج برخورد و او را بکشد. اتهام الف به منازعه در هر دو فرض قابل تردید نیست ولی اتهام دیگر او (قتل) تابع رکن معنوی در ارتكاب قتل خواهد بود.
- ۵- تصریح تبصره ۲ ماده ۶۱۵ به اجرای مقررات قصاص یا دیه ناظر به مواردی است که مرتکب جنایت یکی از منازعین بوده، شناسایی شده و صدمه وارده عمدی و قابل قصاص است و یا از مصادیق جنایت شبیه عمد، خطای محض بوده یا هر چند جنایت عمدی بوده ولی قصاص امکان نداشته باشد که در این صورت، مرتکب حسب مورد به دو مجازات قصاص یا دیه از یک سو و تعزیر از سوی دیگر محکوم خواهد شد. با این حال و به رغم سکوت مقنن، جنایت ارتكابی ممکن است قتل موضوع ماده ۶۱۶ ق.م.ا باشد که در این صورت این مجازات جانشین قصاص خواهد شد. فرض کنید الف در حین منازعه قصد زدن چوب به سر (ب) را دارد ولی بر اثر بی احتیاطی، چوب به ج که دوست اوست اصابت و به مرگش منتهی شود. در این صورت الف متهم به منازعه موضوع ماده ۶۱۵ و قتل غیر عمدی موضوع ماده ۶۱۶ خواهد بود.
- ۶- در منازعه چنانچه مرتکب جنایت معلوم نباشد، متهم کردن منازعین با عنوان منازعه منتهی به جنایت عمدی محل تردید است. حساسیت عضو یا کشته شدن و سیله ارتكاب نمی تواند قهراً جنایت ارتكابی در این خصوص را جنایت عمدی قلمداد نماید مگر دلایل متقن دیگری مؤید چنین ادعایی باشد.
- ۷- عنوان شریک در جرم منازعه در صورتی که مرتکب معلوم نباشد منتفی است مگر اینکه جنایت ارتكابی عمدی و قابل انتساب به بیش از یک نفر از آنها باشد که در این صورت به هر تعداد که باشند مشمول حکم تبصره ۲ ماده ۶۱۵ ق.م.ا به عنوان شرکاء در جنایت و یکی از بندهای سه گانه ماده بر حسب مورد خواهد بود.

نتیجه

انواع قتل بر مبنای عنصر روانی در حقوق ایران با تحقیق و بررسی در مندرجات ق.م.اسلامی مصوب سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۰ ملاحظه می شود که عناوین قتل های مجرمانه ذیل نام برده شده است: ۱- قتل عمدی ۲- قتل شبه عمدی ۳- قتل خطای محض ۴- قتل در حکم شبه عمد ۵- قتل غیر عمد ۶- قتل به منزله خطای محض ۷- قتل در اثنای منازعه، جرم قتل در اثنای منازعه دارای عنوان مجرمانه مستقل و ویژگی های خاصی می باشد که جداگانه بحث شده است؛ ولیکن سایر قتل های مذکور از نظر عنصر روانی مشمول یکی از دو عنوان زیر می باشند: الف- قتل عمدی ب- قتل غیر عمدی (شبه عمد یا خطای محض)؛ بنابراین با توجه مطالب مذکور استنباط می شود جرم قتل در حقوق ایران، بر مبنای عنصر روانی به قتل عمدی و غیر عمدی تقسیم شده و قتل عمدی در نظام تقنینی دارای موارد متفاوتی بوده و بکار بردن وسیله کشنده در ایراد صدمه، جانشین قصد مجرمانه و یا اماره ای از قصد مجرمانه فاعل می باشد. اما انواع قتل بر اساس عنصر روانی جرم و اجزای سازنده آن در حقوق جزای کشور مصر (که حسب مورد مقررات قانون مجازات مجازات اسلامی ایران مصوب سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است) همانند حقوق ایران به قتل عمدی و قتل غیر عمدی تقسیم شده است ولیکن اقسام قتل عمدی در نظام تقنینی حقوق مصر با حقوق ایران تفاوت دارد، به نحوی که جرم قتل عمدی در حقوق مصر به قتل عمدی توأم با سبق تصمیم و قتل عمدی ساده تقسیم شده است، بنابراین استنباط می شود جرم قتل در حقوق مصر همانند حقوق ایران به قتل عمدی و قتل غیر عمدی تقسیم می شود ولیکن اقسام قتل عمدی در نظام تقنینی حقوق مصر با حقوق ایران تفاوت دارد.

منابع و مأخذ

۱. آقای نی، حسین، جرایم علیه اشخاص، جلد اول، تهران، چاپ پنجم، انتشارات میزان، ۱۳۸۹
۲. بازگیر، یدالله، قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوان عالی کشور ۲، قتل شبیه عمد و خطای محض، تهران، چاپ اول، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶
۳. حجاریان، محمد حسین، قانون مجازات مصر، تهران، چاپ اول، انتشارات طرح نوین، بهار ۱۳۹۰
۴. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، مندرج در وب سایت www.Loghatnaameh.org
۵. زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی تطبیقی، جلد اول، تهران، چاپ اول، نشر ققنوس، ۱۳۸۵
۶. مرعشی، محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۳
۷. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم، چاپ دوم، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۴
۸. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد دوم، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۲۲
۹. دلیر، حمید، بحثی پیرامون ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵، ۱۳۷۱
۱۰. عوض محمد، عوض، قانون العقوبات (القسم العام)، مندرج در وب www.hvm.ir
۱۱. محقق حلی (شرایع الاسلام)، شهید ثانی (مسالک الافهام)، حقوق کیفری اسلام، تهران، چاپ اول، مترجم ابوالحسن محمدی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴
۱۲. موسوی بجنوردی، سید محمد، فقه تطبیقی، فصل نامه رهنمون، انتشارات مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۳ و ۲، ۱۳۷۱
۱۳. مجموعه قانون مجازات اسلامی، نظریه شماره ۱۰۶۹/۷-۱-۱۳۷۹/۵، ح.ق، ریاست جمهوری، ناشر معاونت پژوهش، چاپ ششم، ویرایش پنجم، تنقیح و تدوین عباسعلی رحیمی اصفهانی، تهران، ۱۳۸۴
۱۴. قانون العقوبات، المعدل بالقانون ۹۷ لسنة ۱۹۹۲ وقفا لاحداث التعديلات ۱۹۹۴، مکتبه الالفی القانونیه بالمنیا، با ترجمه: حجاریان، محمد حسین (با همکاری و مشاوره دکتر ایرج گلدوزیان)، قانون مجازات مصر، تهران، چاپ اول، انتشارات طرح نوین، بهار ۱۳۹۰
۱۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۴۱، تهران، چاپ سوم، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۷ ه.ق



-WWW.HAGHGOSTAR.IR

-پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی

